تحقیقات قرآنی و حدیثی/ سال سوم/ شماره ششم/ پاییز و زمستان ۱۴۰۰/۵۱- ٦٤

تفسیر علمی از دیدگاه علامه طباطبایی رحمه‌الله علیه

معصومه مظفری کیا[۱]، طاهره عبداللهی[۲]

چکیده

تفسیر علمی در نزد مخالفان و موافقان این تفسیر به‌گونه‌های مختلفی تفسیر شده است. معنای مورد نظر این نوشتار از تفسیر علمی قرآن، استفاده از یافته‌های اطمینان آور علوم تجربی در فهم قرآن است که به عنوان قرینه برای تفسیر قرآن به کار می‌رود. از سوی دیگر این روش یکی از ارزشمندترین روش‌های تفسیری است که می‌توان با آن فرابشری و معجزه بودن قرآن را اثبات کرد. از آنجا که تفسیر المیزان از فاخرترین تفاسیر شیعی است؛ این نوشتار با روش توصیفی به بررسی تفسیر علمی از نگاه علامه طباطبایی پرداخته و محورهای، مستندات تفسیر علمی علامه، یافته‌های علمی برای توضیح مفاد آیه و تعیین مراد آن، استنباط مطالب علمی از آیات، بیان مطالب علمی جدید از آیات مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تفسیر علمی، تفسیر المیزان، روش تفسیر علمی، علامه طباطبایی.

۱. مقدمه

یکی از گونه‌های تفسیر قرآن کریم تفسیر علمی است و در میان مفسران کهن و جدید پویندگانی دارد. تنوع ابعاد و گستره وجوه تفسیر علمی قرآن و اختلاف برداشت‌ها از آن زمینه‌ساز موضع‌گیری‌های متفاوت و گاه متعارض مفسران و دانشمندان مسلمان نسبت به این روش تفسیری شده است. هرچند نمونه‌هایی از تفسیر آیات قرآن به روش علمی در آثار مکتوب بوعلی سینا (قرن چهارم و پنجم

۲. دانش‌پژوه کارشناسی علوم قرآن و حدیث از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی صلی‌الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.
۱. دانش‌آموخته دکتری تفسیر تطبیقی، مدرس گروه علمی - تربیتی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی صلی‌الله علیه و آله العالمیه، قم، ایران.

هجری قمری) دیده می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص۲۹۴-۲۹۳) از آن تاریخ تا به امروز مفسران و شخصیت‌های علمی مشهوری به تفسیر علمی آیات قرآن پرداخته‌اند، اما در مقابل برخی با این روش تفسیری مخالفت ورزیده و آن را تفسیر به رأی خوانده‌اند. بررسی تفسیری مفسران شیعه نشان می‌دهد که بیشتر آنها موافق تفسیر علمی قرآن هستند. مخالفت‌های موجود آثار در علمای شیعه با تفسیر علمی به رویکرد افراطی در این روش تفسیری برمی‌گردد. رویکردهایی که به‌دنبال نظریه‌های علمی بر قرآن بوده یا اصرار به جامعیت قرآن بر همه علوم داشته و در مقام اثبات آن برمی‌آیند. البته اختلاف نظر و فراز و نشیب‌های قابل تأملی نیز در دیدگاه‌های آنها وجود دارد که نیاز به بررسی تحلیلی و مقایسه تطبیقی دارد. ازجمله کسانی که به تفسیر علمی معتقد هستند و مستندانی ارائه کرده‌اند علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان است. نظر به جایگاه ویژه تفسیر المیزان در بین تفاسیر شیعه و با عنایت به شخصیت ویژه ممتاز علامه طباطبایی در ادامه مقاله حاضر رویکرد تفسیری علامه نسبت به تفسیر علمی قرآن بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تفسیر

راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌گوید: «تفسیر از ماده فسر یعنی، آشکار کردن معنای معقول از یك کلام یا کلمه است». (راغب، ۱۳۷۰، ص۶۳۶) در کتاب قاموس القرآن آمده است: «تفسیر از ماده فسر روشن نمودن و بیان کردن است». بنابراین، تفسیر قرآن مراد خدا را بیان کردن و روشن کردن است (قرشی، ۱۳۷۱). در بیان معنای اصطلاحی تفسیر، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: «تفسیر عبارت است از بیان کردن معنای آیه‌های قرآن و روشن کردن و پرده‌برداری از اهداف و مدلول آیه‌ها» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۴/۱).

۲-۲. تفسیر علمی

درباره تفسیر علمی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. ذهبی می‌نویسد: «منظور از تفسیر علمی تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم کند و تلاش کند علوم مختلف و نظریات

فلسفی را از قرآن استخراج سازد. البته ایشان تفسیر علمی را اعم از تفسیر فلسفی دانسته درحالی‌که بنا بر تعریف مشهور این دو روش از هم جداست». (ذهبی، ۱۳۸۱، ۲۴۷/۲) امین الخولی می‌نویسد: «تفسیر علمی تفسیری است که طرفداران آن اقدام به استخراج همه علوم قدیم و جدید از قرآن کردند و قرآن را میدان وسیعی از علوم فلسفی، انسانی و فنون مختلف می‌دانند و اصطلاحات علمی را بر قرآن حاکم می‌کنند» (الخولی، ۱۳۸۰، ص۲۴۷). در تعاریف بالا روشن نشده است که علوم قطعی یا نظریه‌های ظنی در تفسیر علمی استفاده خواهد شد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلفی است که براساس آنها تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی تحمیل مطالب علمی بر قرآن، اما مقصود در مقاله حاضر، همان استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است؛ یعنی منبع علوم تجربی قطعی ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی است.

۲ـ۲ـ۱. اقسام تفسیر علمی

اول) تفسیر علمی اعتدالی

گاه تفسیر علمی از باب استخدام و تأیید محتوای آیات و به‌شکل اعتدالی است که به آن تفسیر علمی اعتدالی می‌گویند. با این توضیح که با استفاده از برخی مباحث روز به تبیین آیاتی که متضمن برخی مباحث علمی است، پرداخته می‌شود. برای مثال خداوند در قرآن می‌فرماید: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (الرحمن: ۱۷). اگر کسی بحث مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد در این آیه را با کروی بودن زمین مرتبط بداند این یك شکل اعتدالی است نه آنکه به‌محض شنیدن یافته‌های علمی، آیه را با آن مطابقت دهد و در مقابل آن خاضع شود و یا به‌طور صددرصد علوم را طرد کند و آن را با قرآن بیگانه جلوه دهد (رفیعی، ۱۳۸۱).

دوم) تفسیر علمی افراطی

شکل افراطی تفسیر علمی که برخی از تفسیرهای علمی به آن مبتلا هستند، تطبیق آیات قرآن با یافته‌ها یا حتی فرضیه‌های علمی است. اگر کسی یك فرضیه علمی را یافت، سعی می‌کند در مقابل آن خاضع شود و به هر شکلی آیه را با آن ارتباط دهد. همان مشکلی است که برخی، مثل

طنطاوی و دیگران به آن مبتلا شده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی این روش را نمی‌پسندد و معتقد است که اینان نتایج بحث‌های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می‌کنند. بنابراین، تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است. به‌همین‌دلیل بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده و آیات را تأویل کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۷/۱) بنابراین، تفسیر علمی را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: افراطی، اعتدالی. بخش افراطی همان تطبیق و بخش اعتدالی، استخدام علوم و به‌کارگیری آن در تأیید محتوای آیات است.

۲ـ۲ـ۲. معیار صحیح تفسیر علمی

برخی علت اختلاف در مورد تفسیر علمی را به‌دلیل تفاوت در معیار می‌دانند. رفیعی (۱۳۸۱) می‌نویسد: «شاید بسیاری از اختلافات مخالفین به معیار صحیح تفسیر علمی برگردد». ایشان برای تفسیر علمی چند معیار مطرح کرده است که عبارتند از:

رعایت قوانین تفسیر که بعضی از اینها به مفسر و برخی به متن برمی‌گردد. جناب سیوطی ۱۵ شرط را ذکر کرده است. زرقانی در کتاب مناهل العرفان ۱۱ شرط ذکر کرده است.

معیار دوم این است که به شأن و جایگاه قرآن توجه شود؛ یعنی مقام قرآن و نیز جایگاه شارع در تبیین قرآن آشکار شود. آیا جایگاه قرآن، هدایت و رهاندن بشر از ضلالت و گمراهی است یا تبیین مباحث فلسفی و علمی. در این‌باره قرآن می‌فرماید: «هدی للمتقین» (بقره: ۲)؛ «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند (اسرا: ۹). قرآن با خطاب به پیامبرﷺ پنج هدف را در آیه زیر بیان می‌کند: «يا أَيهَا النَّبِي إِنَّا أَرْسَلْناكَ شاهِداً ومُبَشِّراً وَ نَذِيراً وَ داعِياً إِلَى اللهِ بإِذنه وَ سِراجاً مُنِيرا؛ ای پیامبر ما تو را گواه فرستادیم و بشارت‌دهنده و انذارکننده و تو را دعوت‌کننده به‌سوی خدا به فرمان او و چراغی روشن‌بخش» (احزاب: ۴۶-۴۷). اگر آیه‌ای اشاره علمی دارد، آن اشاره هدف اصلی نبوده بلکه به‌خاطر شأن هدایتی بوده است. وقتی قرآن ۱۴ قرن پیش می‌فرماید: «وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (یس: ۳۸)؛ هرچند آیه اشاره علمی دارد، هدف اصلی آن هدایت است.

تکیه بر قوانین علمی قطعی است نه بر فرضیه‌ها و نظریه‌های حدسی. اگر مفسر بزرگواری به‌صرف احتمال دادن حیات در کرات دیگر از آیه «یرْسَلُ عَلَیکُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِران؛ خدا بر سر شما شراره‌های آتش و مس گداخته فرود می‌آورد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید» (الرحمن: ۴۷) استفاده حیات نماید و آن را کنایه از این بداند که در میان ساکنان کرات دیگر و کره زمین در آینده جنگی درمی‌گیرد و آنها آتش بر سر زمینیان می‌ریزند و اینها دفاع می‌کنند این یک فرضیه یا یک نظریه است. یا برای مثال به بمب اتم یا ماهواره‌ها تعبیر کند، همان بحث افراطی است که لطمه می‌زند. بنابراین، معیار سوم تکیه بر قوانین علمی قطعی و پرهیز از فرضیه و نظریه است.

از دیگر معیارهای تفسیر علمی، وجود ارتباط میان قانون علمی و آیه مورد نظر است و توجه به این نکته که از هر آیه‌ای نمی‌توان به‌عنوان پشتوانه برای قانون علمی استفاده کردد. بنابراین، باید بین قانون علمی و آیه ارتباط باشد.

- تعارضی بین تفسیر علمی و حقایق و مضامین قطعی شرعی نباشد.

۲ـ۲ـ۳. آثار تفسیر علمی

هر دسته از طرفدارن و مخالفان تفسیر علمی آثار مثبت و منفی را برای تفسیر علمی متذکر شده‌اند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳)

اول) آثار مثبت تفسیر علمی

اثبات اعجاز علمی قرآن: اثبات اعجاز علمی قرآن به‌عنوان یکی از آثار مثبت تفسیر علمی، دو پیامد مهم دارد: اول اینکه سبب اتمام حجت برکفار در دعوت آنان به اسلام و میل آنها به اسلام می‌شود؛ زیرا قرآن برخلاف کتاب‌های دیگر مقدس رایج دنیا نه تنها با علم معارضت ندارد که مطالب علمی مهمی را نیز برای بشر به ارمغان آورده است. دوم، موجب تقویت ایمان مسلمانان به قرآن، نبوت و حقانیت اسلام می‌شود.

۳ . تبیین آیات علمی قرآن کریم

ازآنجاکه تفسیر علمی، یکی از روش‌های تفسیری است و بدون آن تفسیر قرآن ناقص خواهد بود پرداختن به تفسیر علمی سبب روشن شدن جنبه علمی آیات قرآن خواهد شد.

۴ . جلوگیری از پندار تعارض علم و دین

با روشن شدن مطالب علمی قرآن، همه افراد متوجه سازگاری اسلام با علوم می‌شوند و این توهم که علم و دین سرناسازگاری با یکدیگر دارند، برطرف می‌شود؛ زیرا اسلام ضمن سازگاری با علم، مؤید آن نیز هست.

۵ . تعمیق فهم و توسعه مدلول آیات قرآن

از دیگر آثار تفسیر علمی، تعمیق فهم از قرآن و توسعه مدلول آیات قرآن است. بدون تفسیر علمی، معنای مستخرج از آیات، معنایی سطحی است و مفهوم ظاهری به‌دنبال دارد، اما نگاه علمی سبب تعمیق فهم افراد و توسعه دادن مدلول آیات قرآن می‌شود.

۶. آثار منفی تفسیر علمی قرآن

مخالفان تفسیر علمی قرآن یا کسانی که با یک شیوه از تفسیر علمی مخالف هستند آثار منفی این شیوه را چنین برشمرده‌اند (رفیعی، ۱۳۸۱):

۶–۱ . تفسیر به رأی

ازجمله خطرات و آسیب‌هایی که متوجه مفسران قرآن می‌شود، خطر تفسیر به‌رأی است که در تفسیر علمی نمود بیشتری دارد؛ زیرا متخصصان علوم مختلف با ورود به حوزه تفسیر، آیات قرآن را با مسائل علمی تطبیق می‌کنند و به‌علت نداشتن تخصص کافی در علوم قرآنی و تفسیری و عدم تشخیص تفاوت نص و ظاهر، یافته‌های تجربی را به قرآن تحمیل می‌کنند. برای نمونه سید قطب در تفسیر فی ظلال قرآن از آیه «و المُرسِلاتِ عُرفاً. فَالعاصِفات عصْفاً» (مرسلات: ۱و۲) بمب اتم را استخراج می‌کند و یا در سوره فیل مقصود از آمدن ابابیل را بیماری وبا و حصبه تلقی می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۲، ۳۷۹/۶). این روش دارای معیارهای تفسیر علمی نیست و

موجب می‌شود تفسیر علمی به تفسیر به رأی و تحمیل نظریات تبدیل شود که در روایات اسلامی بسیار مورد نکوهش و مذمت قرار گرفته است.

۶ – ۲ . تأویل‌های غیر مجاز

موافقین و مخالفین نظریه داروین یا نظریه تکامل انسان و حیوانات، آیه ۵۹ سوره آل عمران و آیه ۱۱ سوره صافات را که موافق و مخالف نظریه خودشان بوده است، تأویل کرده‌اند. کسانی که طرف‌دار نظریه داروین بودند وقتی که وارد آیات قرآن می‌شدند آیاتی را که ظهورشان مخالف نظریه داروین بود را تأویل می‌کردند؛ همچنین بالعکس. (مشکینی، ۱۳۸۶، ص۱۷)

۶ – ۳ . تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن

تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن از دیگر آسیب‌هایی است که در تفسیر علمی قرآن دیده می‌شود. ازهمین‌رو، برخی منکر این روش تفسیری شده و همین امر را آسیب این‌گونه تفاسیر می‌دانند.

۶– ۴ . ایجاد تردید در صحت مطالب قرآن

ازآنجاکه نظرات علمی در حال تغییر می‌باشد این تغییر موجب مغایرت با ظاهر قرآن می‌شود و در نتیجه معنایی خلاف معنا و برداشت اولیه به‌دنبال دارد که سبب تردید در صحت مطالب قرآن می‌گردد.

۶– ۵ . آسیب به اعجاز ادبی و بلاغت قرآن

در تطبیق قرآن با علوم تجربی، اعجاز ادبی و بلاغی قرآن دچار آسیب می‌شود؛ زیرا متخصصین به‌دنبال استخراج علم از آیه هستند و ابعاد ادبی و بلاغی آیه مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۶ – ۶ . راه‌یابی مطالب باطل و متضاد به قرآن

درپی استخراج مطالب علمی از آیات قرآن، مطالبی باطل و متضاد بر قرآن تحمیل می‌گردد که این امر آسیب بزرگی به‌شمار می‌آید. موارد مذکور که به‌عنوان آثار منفی تفسیر علمی بیان شد، متوجه قسمی از تفسیر علمی است که به تطبیق قرآن با علوم تجربی و استخراج علوم از قرآن

می‌پردازد، ولی تفسیر علمی صحیح که به استخدام علوم در فهم قرآن می‌پردازد از این آثار مبراست. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳)

۷ . ابعاد و گستره رویکرد علامه نسبت به تفسیر علمی

مرحوم علامه، خود دانشمندی مطلع و صاحب‌نظر در علوم طبیعی بود و با دانشمندان علوم تجربی ارتباط و تعامل علمی داشت. یکی از شاگردان گران‌قدر ایشان در وصف استاد می‌فرماید: «حضرت استاد در علم اعداد و حساب جُمَل، ابجد و طرق مختلف آن مهارتی عجیب داشت. در جَبر، مقابله، هندسه فضایی و مسطحه و حساب استدلالی سهمی به‌سزا داشت و در هیأت قدیم استاد بود. به پایه‌ای که به‌آسانی می‌توانست استخراج تقویم کند. یکی از دغدغه‌های اصلی علامه مواجهه عالمانه و پیشگیری بنیادی از رسوخ و گسترش تفکر انحرافی کسانی بود که روحیه حسی‌گری سراسر اندیشه و عمل آنان را فراگرفته بود. به‌طرف مذهب فلاسفه مادی و حسی سابق اروپایی متمایل شده و یا به‌سمت مذهب اصالت عمل گرایش یافته و اصل منفعت (لذت) و فایده‌گرایی را به‌عنوان اصل حاکم می‌پنداشته‌اند. علامه معتقد بود که قرآن کریم، کتاب هدایت و قانون زندگی برای نیل به سعادت جاودانه است. آیات فراوان و بیانات دقیق قرآن از جهان طبیعت و پدیده‌های شگفت‌انگیز آن برای بیان جلوه‌های ربوبیت الهی و نهادینه کردن اندیشه و عمل توحیدی در عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی نازل شده است. شکوفایی فطرت الهی در وجود انسان و بیداری وی از غفلت برخاسته از دلبستگی به حیات مادی و مظاهر آن جز با مراجعه به قرآن و تدبر در اسرار و شگفتی های آن فراهم نمی‌شود. در تفسیر آیات علمی قرآن، اهتمام وافر داشت که راه هرگونه تأویل آیات و تحمیل نتایج و یافته‌های علوم بر آیات قرآن سد شده و از استقلال قرآن به‌طور کامل صیانت شود هرجا که لازم می‌دید مباحث علمی را به‌طور جداگانه و به روش علمی و برهانی (البته در سایه دریافت‌ها و برداشت‌های قرآنی) بیان کرده است. در موارد متعددی از تفسیر المیزان (بیش از هفتاد مورد) برای بیان مفاد و تعیین مراد از آیات علمی، یافته‌های دانش تجربی را به‌کمك گرفته است. ارائه مستند و روشمند مجموع موارد مذکور، می‌تواند رویکرد تفسیری علامه نسبت به روش تفسیر علمی را آشکار کرده و زمینه نقد و

بررسی و نقض و ابرام برای پژوهشگران را فراهم کند. علامه طباطبایی از یافته‌های علوم برای تفسیر آیات علمی کمك گرفته است، اما آنچه در مقدمه المیزان از آن با عنوان تطبیق و تحمیل یاد کرده و رد می‌کند، رویکرد کسانی است که مرعوب کشفیات و نظریه‌های علمی شده و درصدد مقهور کردن عبارت‌های قرآن در برابر نظریه‌ها و اصطلاحات علمی برآمده است. آیات قرآن را فرع یافته‌های علوم می‌داند. چنین کسانی بر این باورند که ممکن نیست معارف دینی با روشی که مورد تأیید علوم است، مخالف باشد». (لطفی، ۱۳۸۸)

۸ . مستندات تفسیری علامه طباطبایی نسبت به روش تفسیر علمی

گرچه علامه در تفسیر آیات ناظر بر امور طبیعی تلاش می‌کند استفاده از یافته‌های علمی را تأییدی برای برداشت‌های تفسیری خود از مفاد و مراد از آیات نشان دهد، در موارد متعددی به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم یافته‌های علمی را در توضیح مفاد آیه و بیان مراد از آن به‌کار می‌گیرد.

-استفاده از یافته‌های دانش تجربی درباره چگونگی صورت‌برداری قوه باصره از کیفیات و هیئت‌های وجودات خارجی در تفسیر آیه «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجاباً فَأَرْسَلْنا إِلَيها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِيا» (مریم: ۱۷). علامه در ذیل آیه ۱۷ سوره مریم «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجاباً فَأَرْسَلْنا إِلَيها رُوحَنا فَتَمَثَّلَ لَها بَشَراً سَوِيا» بحثی علمی را تحت عنوان گفتاری در معنای تمثل و نقد و بررسی شبهات پیرامون آن مطرح می‌کند و در این بحث، هم در بیان معنای تمثل جبرئیل برای حضرت مریم و هم در پاسخ به شبهات صاحب تفسیر کبیر پیرامون معنای تمثل از یافته‌های علوم تجربی کمك می‌گیرد و می‌گوید: «آنچه را که حس از خارج می‌گیرد، عکس و تصویری از کیفیات و هیئت‌های وجود خارجی است نه عین آن. البته این صورت محسوس تا حدی شبیه به خود وجود خارجی است که بعد از تصویربرداری‌های مکرر و براساس تجربه و نظر می‌فهمیم که تصویر مذکور با واقعیت خارجی نیز مطابقت دارد. شاهد این مدعا خطاهای حسی ما نظیر کوچك دیدن خورشید به اندازه یك بشقاب و متحرك دیدن آن به‌دور زمین است که برهان‌های ریاضی، حس ما را تخطئه نموده و اثبات می‌کند که آفتاب چند برابر بزرگ‌تر از

زمین است و بر خلاف آنچه ما حس می‌کنیم زمین به دور خورشید می‌چرخد، پس معنای آیه این است که جبرئیل درحالی‌که فرشته بود در قوه حاسه و ادراك حضرت مریم به‌صورت بشر متمثل شد. بدون اینکه در خارج از ادراك وی صورتی غیر از صورت بشر داشته باشد وگرنه لازم می‌آید که چیزی، چیزی دیگر شود نه اینکه چیزی به‌صورت چیزی دیگر ظاهر شده و تمثل یابد».

-استفاده از کشفیات علمی درباره آب برای بیان مراد از آیه «أَوَلَمْ یر الذین کفرُوا أن السماوات والأرْض کانتا رتقا ففتقنَا هُما وَجَعَلْنَا منّ الماء کل شَیء حَی أفلا یؤْمِنُونَ». به‌نظر علامه آیه ۳۰ انبیا دلالت می‌کند که آب دخالت تام در هستی موجودات زنده دارد و ارتباط اصل حیات و زندگی با آب مسئله‌ای است که در مباحث علمی به‌خوبی روشن شده و به‌اثبات رسیده است.

-استفاده از کشفیات علوم در تفسیر فلك به مدار هر یك از شب، روز، ماه و آفتاب و اوضاع و احوال و آثار آنها ذیل آیه «و هو الذی خَلقَ الیل وَالنَهارَوَالشَمْس وَالقمَرَکل فی فلك یسْبَحُونْ» (انبیا: ۷۰). علامه در تفسیر آیه ۷۰ سوره انبیا با بهره‌گیری از یافته‌های علوم تجربی می‌فرماید: «آیه در ثبوت فلك برای شب، روز، ماه و آفتاب ظهور دارد؛ شب ملازم سایه مخروطی‌شکل وجه زمین و روز سمت مقابل آفتاب است؛ مقصود از فلك، مدار هر یك از شب، روز، ماه و آفتاب و اوضاع و احوال و آثاری است که هر یك از آنها در جو زمین ایجاد می‌کنند؛ آیه شریفه فقط برای زمین اثبات شب و روز می‌کند و دلالتی به ثبوت شب و روز برای آفتاب، ماه و دیگر سیارات ندارد (چه آنها که از خود نور دارند و چه آنها که کسب نور می‌کنند)».

استفاده از یافته‌های علوم برای توضیح معنای رتق و فتق آسمان‌ها و زمین در تفسیر آیه «اولم یر الذین کفروا ان السماوات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شی ءٍ حیً افلا یومنون». علامه ذیل آیه ۳۰ سوره انبیا در توضیح معنای رتق و فتق آسمان‌ها و زمین از یافته‌های علوم و مشاهدات تجربی برای بیان معنای مورد نظر خود کمک می‌گیرد و علاوه‌بر آن، برای تقویت نظرشان از علم جدید تأیید گرفته و می‌فرماید: «علم امروز مرکب بودن هر یک

از اجرام عالم محسوس از عناصری متعدد و مشترک را که عمری معین و محدود دارند – البته یکی کمتر و دیگری بیشتر- روشن کرده است» و براین‌اساس مفاد و مراد از آیه را چنین توضیح می‌دهد: «خداوند نظر مشرکان را که میان خلقت و تدبیر جدایی انداخته را به خدا و تدبیر را به آلهه نسبت می‌دادند به موجوداتی مانند آسمان وزمین معطوف می‌کند که ابتدا یک‌پارچه بوده و بعد از یکدیگر جدایشان کرده است و جدایی خلقت و تدبیر میان آنها تصوری ندارد و این فرآیندی است که ما به‌طور دائم در مرکبات زمینی و آسمانی مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که انواع نباتات از زمین و حیوانات از حیواناتی دیگر و انسان‌ها از انسان‌های دیگر جدا می‌شوند و بعد از جداشدن صورتی دیگر به خود می‌گیرند و هر یک آثاری غیر از آثار زمان اتصال از خود بروز می‌دهند. آثاری که در زمان اتصال هیچ خبری از آنها نبود. پس این آثاری که در زمان جدایی فعلیت پیدا می‌کند در زمان اتصال نیز به‌طور بالقوه در نهاد آنها وجود داشته و به ودیعت سپرده شده بود که در این آیه شریفه، منظور از رتق و اتصال همان حالت بالقوه و منظور از فتق و جدایی همان آثاری است که فعلیت می‌یابد و آسمان‌ها و زمین و اجرامی که دارند حالشان غیر از حال همان افراد از مرکبات زمینی و آسمانی نیست که مشاهده می‌کنیم؛ زیرا آنها نیز از ماده تکون یافته و تمام احکام ماده در آنها جریان دارد».

- استفاده از یافته‌های علمی برای بیان نقش فعال و مؤثر زمین (پس از دریافت آب) در رویاندن گیاهان و رشد دادن آنها ذیل آیه «یا أَیهَا النَّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَیرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَینَ لَکُمْ وَ نُقِرُّ فِی الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَ مِنْکُمْ مَنْ یتَوَفَّی وَ مِنْکُمْ مَنْ یرَدُّ إِلی أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیلا یعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیئاً». (حج: ۵) علامه در تفسیر آیه ۵ سوره حج بعد از بیان دلالت آیه بر نقش فعال و مؤثر زمین (پس از دریافت آب) در رویاندن گیاهان و رشد دادن آنها همانند رحم که در رویاندن فرزند از خاک و باروری آن به‌صورت نطفه سپس علقه و آن‌گاه مضغه برای آمادگی پذیرش روح الهی نقش آفرینی می‌کند، می‌فرماید: «ممکن است منظور از زوج، معنای مقابل فرد باشد. برای اینکه آیات دیگر قرآن نیز به ثبوت زوجیت و

ازدواج و حیات و زندگی برای گیاهان دلالت می‌کنند و این مشکل‌هایی است که علوم تجربی امروز نیز با آن موافق است» (ر.ک.، لطفی، ۱۳۸۸).

۹. پاسخ‌گویی علامه به شبهات علوم پیرامون محتوای آیات

- پاسخ علامه به شبهه لزوم سلب اعتماد از قوه حاسه و ادراکات حسی در صورت قول به جواز تمثل جبرئیل به حضرت مریم: صاحب تفسیر کبیر ذیل آیه ۱۷ سوره مریم شبهه‌ای را در ارتباط با مسئله تمثل جبرئیل برای حضرت مریم به مضمون نقل می‌کند که اعتقاد به امکان و جواز تمثل، موجب سلب اعتماد از قوه حاسه و ادراکات حسی می‌شود و هرگز کسی قطع پیدا نمی‌کند که مثلاً این شخصی را که الآن می‌بیند همان فردی است که قبلاً دیده است؛ زیرا شاید فرد دیگری است که به‌صورت شخص حاضر متمثل شده است. علامه به‌منظور پاسخ‌گویی به شبهه مذکور، مطالب علمی ارزشمندی را درباره قوه حاسه و ادراکات حسی مطرح می‌کند؛ مطالبی که امروز در علوم تجربی و بخش معرفت‌شناسی فلسفه به‌اثبات رسیده است:

- اجتناب‌ناپذیر بودن اجمالی مغایرت میان حس و محسوس خارجی و بطلان عینیت و مطابقت محسوسات و صورت‌های حسی با وجود خارجی محسوس؛

- آنچه را که حس از خارج می‌گیرد عکس و تصویری مشابه از کیفیات و هیئت‌های خارجی است نه خود وجود خارجی؛

- کثرت و تنوع مغایرت‌هایی که میان حس و محسوس خارجی مشاهده می‌کنیم و برهان‌های ریاضی حس ما را تخطئه کرده و مغایرتشان را با واقعیت‌های خارجی اثبات می‌کند؛ مغایرت‌هایی که در دانش تجربی از آنها به خطاهای حسی تعبیر می‌شود؛

- دخالت و تصرف ابزارهای حسی (جهازات حواس) در محسوسات به انواع گوناگون و طرق مختلف؛

- تأثیر اسباب داخلی و خارجی در نفس و کیفیت ادراکات آن مانند ترس شدید و ناگهانی که باعث می‌شود صورت‌های هولناک بر حسب اوهام خاطرات انسان در ذهنش پیدا شود؛

- عدم خدشه‌دار شدن اعتبار ادراکات حسی و اعتماد بر حس به‌خاطر خطاهای حسی و عدم مطابقت محسوسات و صورت‌های حسی با وجود خارجی محسوس؛ زیرا مسئله خطا و صواب در تشخیص، مربوط به تجربه و نظر است نه دائر مدار حس (ر.ک.، طباطبایی،۱۳۹۰، ۴۰/۱۴).

۱۰ . نتیجه‌گیری

تفسیر علمی، حکایت از نظریه کسانی می‌کند که در تلاش برای فهم و تفسیر معنا و مقصود آیات قرآن، استفاده از دانش‌های تجربی را مفید می‌دانند. در این زمینه رویکردهای متفاوتی وجود دارد. علامه نسبت به رویکرد افراطی در تفسیر علمی تطبیق آیات قرآن با علوم و تحمیل علوم بر ظواهر قرآنی موضع منفی داشته و آن را تطبیق و تفسیر به رأی می‌خواند، اما دیگر ابعاد و جهت‌گیری‌های تفسیر علمی را پذیرفته و بعضی از آیات را براساس آن تفسیر کرده است که عبارتند از:

- کمك گرفتن از یافته‌های علمی برای توضیح مفاد آیه و تعیین مراد از آن (تفسیر مصطلح)؛

- استخراج و استنباط مطالب علمی از آیات قرآن (مطالبی که دانشمندان تجربی کشف و بیان کرده‌اند)؛

- استخراج و بیان مطالب جدید علمی از آیات قرآن (مطالب علمی که هنوز از سوی دانش تجربی کشف و بیان نشده است)؛

- سؤالات و ابهاماتی که از ناحیه علوم پیرامون محتوای آیه مطرح شده و مفسر به آنها پاسخ داده است؛

- مطالب علمی که مفسر به مناسبت محتوای آیه مطرح کرده است (بدون اینکه مطلب را با مفاد یا مقصود از آیه ارتباط بدهد)؛

- تطبیق آیات قرآن با علوم و تحمیل علوم بر ظواهر قرآنی (رویکرد افراطی در تفسیر آیات علمی).

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴). لسان العرب. بیروت: دار الاحیا التراث.
۲. حسینی دشتی، مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. بی جا: اسماعیلیان.
۳. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۱). آشنایی با تفسیر علمی قرآن کریم. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۴. الخولی، امین (۱۳۸۰). مناهج تجدید. بیروت: دارالفکر.
۵. ذهبی، محمدحسین (۱۳۸۱). التفسیر و المفسرون. قاهره: دارالکتب اسلامیه.
۶. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۳۷۰). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳). درآمدی بر تفسیر علمی قرآن. تهران: انتشارات اسوه، سازمان اوقاف و امور خیریه.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱). روش‌ها و گرایش‌های تفسیری. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۶). مبانی و قواعد تفسیری. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۰. رفیعی محمدی، محمدناصر (۱۳۸۱). آشنایی با تفسیر علمی قرآن. قم: انتشارات حوزه علمیه.
۱۱. سید قطب، (شاذلی) سید ابراهیم (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن. بیروت: انتشارات دارالشروق.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: منشورات دارالکتب اسلامیه.
۱۳. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۴. لطفی، امیرعلی (۱۳۸۸). تفسیر علمی از دیدگاه علامه طباطبایی. قم: پژوهشنامه علوم و معارف قرآن، شماره ۴، ۸۲-۶۱.
۱۵. مشکینی، علی‌رضا (۱۳۸۶). تکامل از دیدگاه قرآن کریم. قم: انتشارات الهادی.